



تولید ۱۰۰ میلیون تن چقدر مدیریت، کارشناسی، سرمایه‌گذاری و... می‌طلبد

مدیران کارآمد و آگاه به علم زمان است. از همه اینها مهم‌تر آباد کردن، رونق بخشیدن و مردمدار کردن روستاهای کشور به عنوان ریشه شهرها (همچنان که کوه‌ها میخ‌های زمینند) باید مورد توجه باشد. متأسفانه روستاها عمدتاً در بهار و تابستان به عنوان محل تفریح و گذران ایام فراغت (حتی از سوی فرزندان به شهر رفته روستایی) مورد استفاده قرار می‌گیرند و در پاییز و زمستان از ۶۰ هزار روستای کشور ۶۰ روستا که از هر کدام ۶۰۰ خانوار سکونت داریم داشته باشند وجود ندارد. میوه‌های سردرختی در پای درخت‌ها می‌ریزد و چون نیروی کار وجود ندارد و دام‌ها فروخته می‌شوند چون اصطبل و خوراک دام و دامپزشک در روستاها نایاب است و...

کشاورز روستایی برای ماندگاری در روستا نیاز به آموزش و پرورش و کلاس‌های دایر دارد اما متأسفانه هر سال دبیرستان‌های روستایی کمتر و کمتر شده و مدارس راهنمایی در هم ادغام و دبستان‌ها به صورت مختلط در آمده و چند سالی است که در بسیاری از روستاها، محصلین چند پایه تحصیلی در یک کلاس توسط یک معلم تدریس می‌شوند و اخیراً هر چند روستا به داشتن یک مدرسه مختلط چند پایه در یک کلاس محدود شده‌اند و اندک ساکنین روستاهای مجاور به علت نبودن وسیله ایاب و ذهاب، سرمای زمستان و عدم امنیت و ناتوانی مالی کمتر به تحصیل فرزندان خود رغبت نشان می‌دهند. بهداشت و درمان، تامین و عرضه، مایحتاج اولیه زندگی نهاده‌های کشاورزی، دامی، تامین انرژی و... نیازهای ضروری بعدی خانوار روستایی است که چنانچه این عوامل فراهم نشود با مهاجرت کشاورز روستایی به حاشیه شهرها بار عظیمی از مسوولیت تولید ۱۰۰ میلیون تن محصول کشاورزی بر زمین می‌ماند، چرا که مزارع مکانیزه، کشت و صنعت‌ها، دامداری‌های مدرن و صنعتی و... با تمام توان و قدرت و سرمایه خود کمتر از ۳۰ درصد از این ۱۰۰ میلیون تن را عهده‌دار هستند و همان کشاورزان آرام و قانع روستائین با نیروی کار ارزان و صاحب زمین زراعی ارزان و بهره‌گیران از منابع هستند که الباقی تولید را عهده دارند.

نیم‌نگاهی به برنامه‌های تعهد شده وزیر دولت دهم در بخش کشاورزی تاییدی است بر موارد ذکر شده فوق که در ۳۲ بند آمده است و به نظر می‌رسد با حمایت جدی‌تر مجلس و وزارتخانه‌هایی که هر کدام بخشی از سرنوشت کشاورز و کشاورزی و روستائین را رقم می‌زنند و جدیت بانک‌ها در پرداخت واقعی ۲۵ درصد منابع خود به بخش کشاورزی و مشارکت در تولید محصولات کشاورزی (نه ردیف کردن آمار و ارقام) و تجدیدنظر در قانون کار و تامین اجتماعی و رونق بخشیدن به تحقیقات و ارتقاء جایگاه ترویج و احترام به سرمایه‌گذار و کارآفرین بتوانیم کشور را از مرحله خطرناک وابستگی به واردات (متأسفانه چند سالی است که حتی برخی از میوه‌های بهاره و تابستانه و صیفی‌جات را وارد می‌کنیم، بحث برنج، گندم، جو و چای و روغن و... به عنوان محصولات استراتژیک که جای خود دارد) نجات بخشیم.

یک محاسبه سرانگشتی باید نشان دهد، برای تولید یک کیلو محصول گندم کشاورزی (اعم از باغی، زراعی، دامی، شیلاتی) علاوه بر چند ماه صرف زمان، مبالغ قابل توجهی بابت تدارک انرژی، آب، نهاده‌های کشاورزی، دامی و نیروی کار هزینه می‌برد. حال ۱۰۰ میلیون تن محصولات کشاورزی ضمن هزینه‌های یاد شده، مدیریتی دانا، کاردان و با برنامه می‌طلبد تا بتواند همراه تدارک همه‌ی مسایل، بحث‌های آبخیزداری، تغذیه سفره‌های زیرزمینی، عملیات خاک‌ورزی و غنی‌سازی خاک که هر ساله ضعیف‌تر می‌شود تامین وارپته‌های اصلاح نژاد شده بذور و نژادهای دامی و... را ساماندهی کند.

این مدیریت باید دومین بخش بعد از نفت را از انزوای سنتی ماندن، کهنه شدن و عدم سرمایه‌گذاری نجات دهد اما قبل از آن باید کشاورزی سودآور شود چرا که سرمایه در جایی استقرار می‌یابد که توجیه اقتصادی داشته باشد، سودآوری آن تضمین شده باشد و سرمایه‌گذار برای چرخه سرمایه‌گذاری و توسعه آن بتواند به راحتی از تسهیلات استفاده کند. حق جا به جایی و خرید و فروش مایملک خود را داشته باشد. کارآفرین سرمایه‌گذار نیاز به مقررات شفاف و با ثبات و در عین حال مساعد برای ادامه کار دارد. قوانین وزارت کار، تامین اجتماعی، مالیات‌ها، تعرفه‌ها باید به ویژگی‌هایی دست یابند که مزرعه‌دار، دامدار، کارخانه‌دار و مدیر کشت و صنعت بتواند با اتکا به آنها به توسعه فعالیت پردازد نه این که از ترس آنها همواره خود را محدود سازد.

خریدهای تضمینی به عنوان یکی از مولفه‌های بازدارنده کشاورزی از رقابت، پیشرفت و توسعه، همواره تولیدکننده را ضعیف و یارانه‌خواه و نیازمند نگه می‌دارد. عرضه و تقاضا و برنامه‌ریزی به ویژه رعایت الگوی کشت می‌تواند این عارضه را بی‌اثر یا کم‌اثر کند.

احترام به مالکیت و حتی بزرگ مالکی وقتی که مکانیزاسیون و یکپارچه‌سازی اراضی از سوی دولت یکی از ضروریات تلقی می‌شود و حتی تقدیر از سرمایه‌گذارانی که به جای خروج سرمایه، کمر همت به آبادانی مملکت گماشتند و حتی فراتر از آن، ایرانیانی که میلیاردها سرمایه‌های خود را از خارج به کشور آورده و در مزرعه و باغ و سردخانه و دامداری کارآفرینی کردند می‌تواند نشانه‌های احترام و توجه دولت به مردان ملی کشور و کارآفرینان وطنی باشد.

سرمایه‌گذار بخش کشاورزی هنگامی که نسبت سرمایه و عمر صرف شده را در کشت و زرع در کشورش با مشابه خود در یک کشور اروپایی حتی ترک در ترازوی مقایسه می‌گذارد می‌بیند برداشت ۷۰ تن سیب‌زمینی خارجی یا ۳۰ تن سیب‌زمینی در هکتار در ایران یا ۶۰ تن پرتقال در ایران و... رغبت سرمایه‌گذاری را بسیار کم می‌کند. تحقیقات، ترویج و استفاده از دانش فنی و روش‌های نوین کشاورزی، نهاده‌های دامی و زراعی با تولید بالا و عواملی از این دست نیازمند دفاع از بخش و تزریق بودجه و به خدمت گرفتن